

# جنگ با افغانستان؛ به چه بهایی و با کدام هدف؟

دکتر انور خامه ای

در ۱۱ سپتامبر واقعه ای در آمریکا اتفاق افتاد که در تاریخ بشری نظیر بود. ساعت ۹ صبح به وقت واشنگتن چهار هواپیمای مسافربری، دو تا از فرودگاه بوستون به مقصد لوس آنجلس و دو تای دیگر از فرودگاه واشنگتن به مقصد سان فرانسیسکو به پرواز درآمدند. اندکی بعد در هر کدام از این هواپیماها یک گروه تروریست ورزیده، آموزش خلبانی دیده و از جان گذشته، مرکب از چهار یاشش تن، سرنشینان هواپیماها را اسیر کرده و خود هدایت هواپیماها را بدست گرفتند. ربابندگان دو هواپیما را به آسمان خراشهای دوقلوی نیویورک - که مرکز امور بازرگانی و اقتصادی آمریکا است - کوفتند و این برجهای ۱۱۰ طبقه را با خاک یکسان کردند. یکی از دو هواپیمای دیگر را ربابندگان آن به ساختمان پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، زدند و بخش وسیعی از آن را ویران ساختند. تنها هواپیمای پیران گروه چهارم موفق نشدند هدف خود را که گویا ویران کردن کاخ سفید بوده است، انجام دهند، چون با مقاومت

سرنشینان و احتمالاً مسافران هواپیما مواجه می شوند و هواپیما سقوط می کند و همه در شعله های آتش می سوزند. البته گفته می شود که چهار هواپیمای دیگر نیز همزمان رپوده شده بودند که یکی از آنها ساقط شده و در مورد سه فروند دیگر سکوت مرموزی حاکم است. تلفات جانی این عملیات تروریستی نیز در تاریخ بی سابقه بوده و جز در یورشهای جنگی میان دولتها نظیر نداشته است؛ در ویرانی پنتاگون حدود ۴۰۰ تن که اکثر آنها افسران عالی رتبه بوده اند تلف شدند.

تلفات جانی برجهای دوقلو و ساختمانهای اطراف آن هنوز به درستی مشخص نشده ولی حدود شش هزار نفر تخمین زده اند که شامل اتباع اکثر کشورهای جهان و پیروان اغلب مذاهب می شده است.

مهم تر از این تلفات و خسارات مالی که صدها میلیارد دلار بر آورد کرده اند، لطمه ای است که به حیثیت و اعتبار دولت آمریکا وارد آمده است، چون برجهای دوقلو نماد قدرت اقتصادی و مالی آمریکا و پنتاگون مظهر نیروی نظامی این کشور بودند.

با ویران شدن این نمادها معلوم شد که ثروت و

قدرت نظامی این کشور نیز برخلاف ادعای زمامداران آن شکست ناپذیر نیست و حتی در زمان صلح آسیب پذیر است. در اهمیت تاریخی این واقعه همین بس که بسیاری از مفسران آن را تنها با حمله ژاپن به پرل هاربر، که موجب ورود آمریکا در جنگ جهانی دوم شد، قابل مقایسه می دانند.

مهمتر از خود واقعه، برخورد دولت آمریکا و رسانه های آن کشور با آن و جوی بود که به دنبال آن در جهان پدید آمد و همه کشورها را گرفتار اضطراب و نگرانی کرد. دولت آمریکا بلافاصله پس از آن، مرزهای زمینی و هوایی خود را بست، حالت فوق العاده اعلام کرد، نیروهای نظامی خود را به حالت آماده باش در آورد، قسمتی از افراد ذخیره را به خدمت نظامی فراخواند، از همه کشورهایایی که با آن دولت رابطه سیاسی دارند برای یافتن و مجازات مسببان این واقعه کمک خواست، به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای مبارزه علیه تروریسم متوسل شد، کشتیهای جنگی و هواپیماهای اضافی به خلیج فارس و مدیترانه شرقی فرستاد. تمام این اقدامات نشان می داد که دولت آمریکا خود را آماده جنگی تمام عیار و احتمالاً طولانی می کند.

رسانه های کشورهای غربی بویژه اکثر رسانه های اروپا به یاری آمریکا شتافتند و تبلیغات گسترده ای را علیه تروریسم و برای مبارزه با آن انجام دادند. کشورهای متحد آمریکا همکاری نظامی یا اقتصادی و مالی خود را با این کشور در نبرد علیه تروریسم اعلام کردند. سازمان ناتو آمادگی خود را برای این گونه عملیات اظهار داشت. بازتاب این تبلیغات در رسانه های تمام کشورها و سراسر جهان وضعی پدید آورد که گویی دنیا آستان جنگی دیگر، دست کم شبیه جنگ ۲۸ کشور علیه عراق به بهانه اشغال کویت، است. شباهت وضع کنونی با جو پیش از جنگ سال ۱۹۸۹ بسیار زیاد است، جز در یک مورد: در آن زمان آمریکا هدف خود را در سازمان ملل متحد طرح و به تصویب این سازمان رساند، اما این بار به این حربه متوسل نشده است و نشان می دهد که گویا برای آغاز جنگ به آن نیازی ندارد.

آمریکا و همدرستان او بر طبل جنگ می کوبند. اما جنگ



چند نفر از پناهندگان افغانی جمعه ۱۳ مهر در مسجد اهل تسنن مشهد برای شاکمه مصیبت های مردم کشورشان

دها می کنند.

است. اگرچه روسها در زمان حکومت داوودخان قراردادی برای بهره برداری از این منابع با او بسته بودند. ظرفیت تخمینی این منابع که احتمالا پیوسته به میدانهای شمال خراسان است، فوق العاده نیست و هزینه بهره برداری از آنها با در نظر گرفتن دوری از دریاها و آزاد و نیاز به لوله کشی از مسیر پاکستان، سنگین است و اجازه به سودبری زیادی نمی دهد.

افزون بر این، سلطه آمریکایر کشور افغانستان به شرکتی آمریکایی اجازه می دهد قرارداد خرید گاز از ترکمنستان را که چند سال است بسته اند ولی به علت شرایط نامناسب نمی توانند از طریق افغانستان حمل کنند، اجرا کنند. غیر از این، افغانستان منبع درآمدی جز کشت خشکشاخ و تجارت مواد مخدر ندارد. آیا سرمایه داران آمریکایی می خواهند معامله مواد مخدر جهان را در انحصار خود آورند؟ یا دولت آمریکا خیال دارد ممنوعیت کشت خشکشاخ را عملی سازد؟ به هر حال، منافع اقتصادی که آمریکا می تواند در افغانستان ببرد به در دسرش نمی آرد.

امابر عکس، منافع ژئوپلیتیک افغانستان برای آمریکا بسیار مهم است. افغانستان در قلب آسیا قرار دارد. از جنوب همسایه پاکستان و هندوستان است. از شمال با جمهوری های سابق شوروی در آسیای میانه هم مرز است. دست انداختن به روی این جمهوری ها چنانکه نیکسون نوشته، سالهاست که جزو آرزوهای آمریکاست. از این مهمتر، موقعیت سوق الجیشی افغانستان است که در غرب چین قرار دارد و با استانهای سین کیانگ و تبت هم مرز است. تسلط بر افغانستان به

نمی تواند بن لادن را تحویل آمریکادهند. چون در این صورت، بطلان حرفهایی که به افراد و مریدان خود زده اند و می زنند ثابت می شود و از دورشان پراکنده خواهند شد یا علیه شان قیام خواهند کرد.

به احتمال زیاد دولت آمریکا از این مطلب بخوبی آگاه است و از همین رو، آن را بهانه ای برای حمله به افغانستان کرده است، اگر هدفش، چنانکه بیشتر مفسران و صاحب نظران معتقدند، تصرف این کشور باشد.

## شاید یکی از اهداف حمله آمریکا به افغانستان تحقق بخشیدن به آرزوی نیکسون، یعنی همجواری با مرزهای کشورهای آسیای میانه باشد

اکنون ببینیم تصرف افغانستان یا استقرار یک حکومت دست نشانده در آنجا چه سودی برای دولت آمریکا دارد که حاضر به جنگی که سرانجامش معلوم نیست، برای دست یافتن به آن شده است. این منافع را به دو دسته می توان تقسیم کرد: منافع اقتصادی و منافع ژئوپلیتیک. از منافع اقتصادی شروع کنیم: افغانستان مانند اکثر کشورهای خاورمیانه دارای منابع نفت و گازی است که تاکنون دست نخورده باقی مانده

باکی؟ معمای اصلی این است. ظاهر قضیه این است که بوش رییس جمهور آمریکا بن لادن را مسبب و طراح عملیات خرابکارانه ۱۱ سپتامبر می شمارد و از حکومت غیر قانونی طالبان می خواهد که او را برای دادرسی و مجازات تحویل آمریکا دهد. اما طالبان حاضر نیستند به این کار که به حیثیت و اعتبار آنها در میان هواداران شان سخت لطمه می زند تن در دهند. آنها می گویند این کار بن لادن نیست و نمی تواند باشد. چون بن لادن یک نفر پناهنده است و در افغانستان سخت محدود شده است و امکان فعالیت جهانی ندارد. افزون بر این، ابعاد واقعه ۱۱ سپتامبر چنان گسترده و سازمان یافته بوده است که نه تنها از عهده یک نفر، بلکه از توانایی یک سازمان تروریستی نیرومند نیز خارج است. حتی اگر چند سازمان تروریستی هم متحد شوند به سختی ممکن است توانسته باشند چنین کاری را انجام دهند. طالبان می گویند تنها یک سازمان جاسوسی و خرابکاری دولتهای بزرگ توانایی انجام چنین کاری را خواهد داشت. از سوی دیگر، عاملان این واقعه همه در درون آمریکا بودند و از خارج به آنجا نرفته اند تا بتوان پذیرفت که بن لادن آنها را فرستاده بوده است.

اکنون ببینیم بن لادن کیست و چگونه آدمی است؟ اسامه بن لادن فرزند یک عرب بادیه نشین است. پدرش از رؤسای یک قبیله عرب بوده و پنجاه و هشت فرزند از زنان متعدد خود داشته است که یکی از آنها بن لادن است. بن لادن تحصیلات عالی در خشانی ندارد، اما بر زبان و ادبیات عرب مسلط است، سخنرانی بسیار زبردست است و کلامش در شنوندگان نفوذ عمیق دارد. ثروتی که از دامداری و معاملات دیگر بدست آورده طبق اعلام رسمی مقامات آمریکا به سیصد میلیون دلار می رسد و از همین رو با عدنان خشوقی دلال معروف اسلحه و میلیونرهای دیگر عرب دوستی دارد. با وجود این، بسیار ساده زیست می کند و بر خلاف شیوخ عرب از تجمل و خوش گذرانی بیزار است. این یکی از دلایل نفوذ او در هوادارانش، که گاه تا حد پرستش پیش می رود، است. دلیل دیگر آن، سخنرانیهایش است که در هزاران نسخه بصورت نوار و چاپی و دست نوشته در کشورهای عربی و اسلامی پخش شده است و دست به دست می گردد. در این سخنرانیهایش او از ظلمی که استعمارگران غربی بر ملت های عرب و مسلمان رواداشته و ثروتهای آنان را به یغما برده اند، پرده برمی دارد و آنان را به جهاد علیه آمریکا، انگلیس و هندستان آنها فرا می خواند. در حقیقت او همان چیزهایی را می گوید که صدسال پیش حسن البنا و سید قطب می گفتند.

به این علل، رؤسای طالبان، حتی اگر بخواهند،



گروهی از مردم نیویورک از دور نظاره گر سوختن و انهدام برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی هستند.

آمریکا امکان می دهد که از دو سو چین را که بی شک بزرگترین رقیب آینده او در جهان خواهد بود، در میان گیرد. به هر حال، استقرار آمریکا در افغانستان بالقوه برای چین خطر بزرگی است.

اکنون که سود تصرف افغانستان را برای آمریکا بر شمرده ایم نوبت آن است که هزینه بسیار سنگین و تحمل ناپذیر آن را نیز شرح دهیم. همین جا بگوییم اگر دولتمردان آمریکا می پندارند که با همان روشی که میلو شوشه ویچ و هوادارانش را در صربستان از پای درآوردند، طالبان را هم از پای در خواهند آورد، اشتباهی بس عظیم کرده اند. افغانستان یک کشور اروپایی نیست که مردمش به آسایش و رفاه خود اهمیت دهند و برای رها شدن از بمبارانهای آمریکا علیه طالبان بشورند. رفاه و شهرنشینی برای اکثریت مطلق افغانها معنی و مفهومی نداشته و ندارد. مردم افغان در برابر بمباران به کوه پناه می برند یا در صحرا با لقمه نان زندگی می کنند. اگر غیر از این بود، باید در این سی سالی که دایما زیر بمب و موشک قرار داشته اند دها شورش و قیام روی داده باشند.

از سوی دیگر، طالبان هم مانند حاکمان صربستان نیستند که برای تظاهرات و راهپیمایی مردم ارزشی قایل باشند. آنها هر جنبش مردمی را با آتش مسلسل و توپ و موشک کاتیوشا سرکوب می کنند. بنابراین حداکثر بمبارانهای آمریکا جز آن که اندک بقایای شهرهای این کشور را ویران و به تل خاکی مبدل کند، هیچ نتیجه دیگری مگر افزودن بر کینه مردم افغان نسبت به خودش و ایجاد محبوبیت برای طالبان نخواهد داشت.

اما اگر آمریکا سرباز و نیروی زمینی با توپ و تانک وارد افغانستان کند، خود را گرفتار ویتنامی به مراتب سخت تر و جان فرساتر کرده است. زیرا سرزمین افغانستان سراسر سرکوه و دره است و سربازان آمریکایی در پشت هر صخره ای با گلوله تفنگی روبرو خواهند شد و در پس هر دیوار خرابه ای با آتش مسلسلی مواجه خواهند گشت. دولتمردان آمریکا خوب است سرنوشت ارتش سرخ شوروی را که در شرایطی به مراتب بهتر از وضع امروز آنها قرار داشتند، مطالعه کنند و ببینند چگونه در برابر مقاومت گروه های جهادی که با هم رقابت و گاه دشمنی هم داشتند، از پای درآمد.

امروز طالبان هم منسجم ترند و هم مجرب تر و هم متعصبتر. ارتش شوروی از نظر ارتباطی و دریافت تدارکات، هیچ گونه اشکالی نداشت چون جسیپیه به کشور شوروی بود حال آنکه آمریکا باید از آن سردنیا همپات و آذوقه به سربازان خود بپرساند.

دولتمردان آمریکا باید در نظر داشته باشند که در

چنین شرایطی چین و شوروی آرام نخواهند نشست و به کسانی که با آمریکاییها می جنگند دست کم کمک معنوی خواهند کرد.

دولتمردان آمریکا ممکن است تصور کنند که هواداران و نیروهای مسلح دولت ربانی دوش به دوش سربازان آمریکایی خواهند جنگید. این تصور پنهان چندان محکمی ندارد، چون رزم آو رانی که دست پرورده شیر دره پنجشیرند هرگز حاضر نخواهند شد که ننگ مرز می با بیگانگان، به ویژه آمریکایی هارا تحمل کنند. از این گذشته، همکاران ربانی هم اگر بخواهند به نام حکومت افغانستان نقش دست نشانده آمریکارا ایفا کنند، آبروی خود را می برند. تا همین جا هم که گویا با محمد ظاهر شاه وارد مذاکره برای تشکیل دولت ایتلافی تحت حمایت آمریکا شده اند، لطمه

## اگر سران آمریکا موقعیت جغرافیایی، روحیات و وضع زندگی مردم افغانستان را در نظر بگیرند، خواهند فهمید جنگ در افغانستان یعنی سقوط در جهنمی به مراتب سوزان تر از ویتنام

شدیدی به حیثیت خود زده اند. اگر احمد شاه مسعود زنده بود، هرگز نمی گذاشت چنین انقلابی صورت گیرد. از این رو، بعضی از مفسران ترور ناجوانمردانه مسعود را با واقعه ۱۱ سپتامبر مرتبط می شمارند.

گرچه محافل سیاسی جهان و روزنامه ها و رسانه های مهم بین المللی عموماً هدف دولت آمریکا را دستگیری بن لادن و در نتیجه از پادار آوردن طالبان و کلاً مربوط به افغانستان می دانند، اما چون از یکسو دولت آمریکا تاکنون صریحاً هدفش را اعلام نکرده بلکه سخنگویان آن مانند جرج بوش و وزیر خارجه اش گفته اند تروریسم را در هر جا که باشد سرکوب خواهند کرد و از سوی دیگر، تمرکز قوای دریایی آمریکا در شرق مدیترانه و خلیج فارس بی تناسب با حمله به افغانستان است، ما هدفهای احتمالی دیگر آمریکا را نیز مورد بررسی قرار می دهیم.

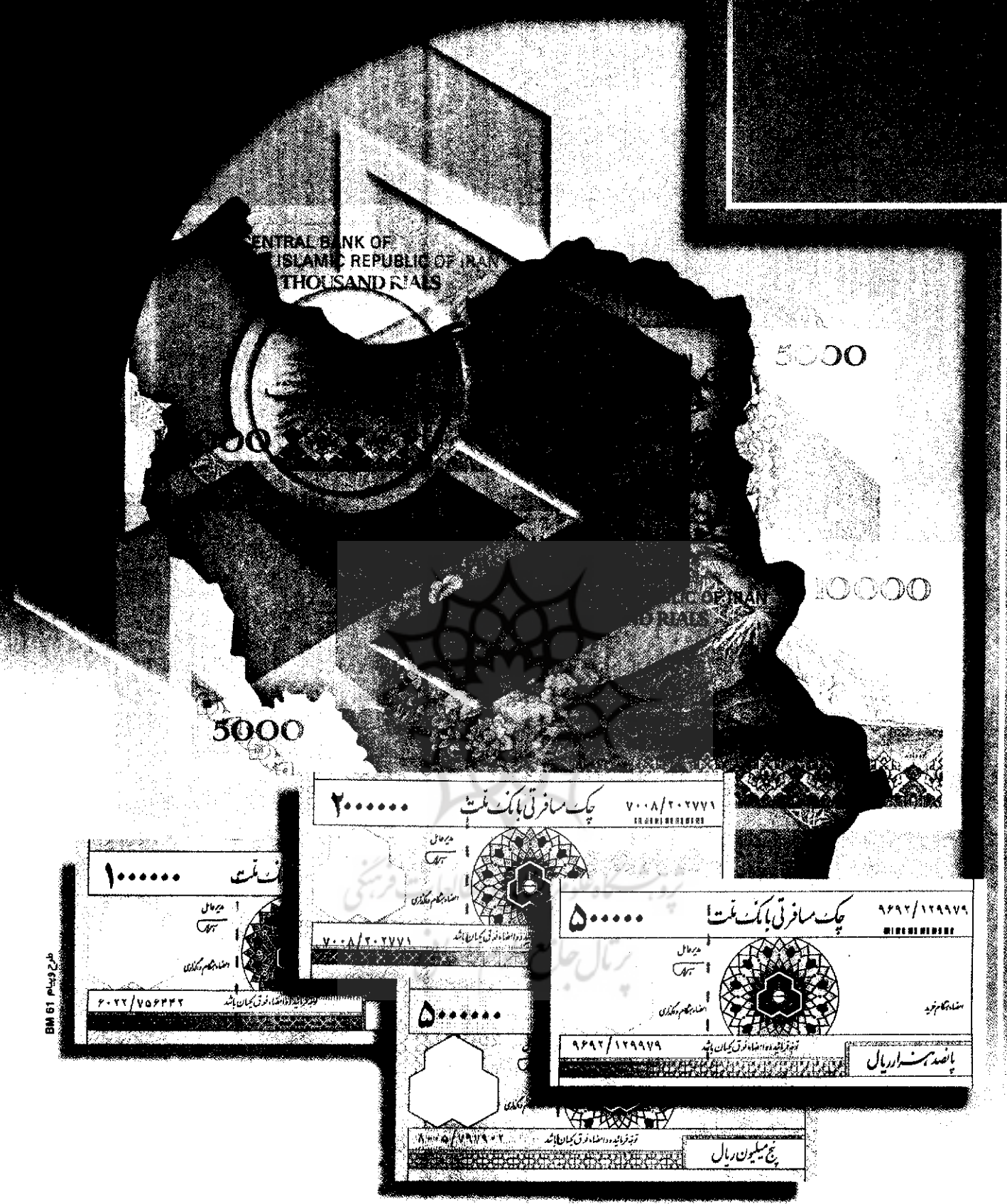
یک احتمال حمله زمینی به عراق به منظور سرنگون ساختن صدام حسین و حکومت حزب بعث و روی کار

آوردن حکومتی دست نشانده آمریکا در بغداد است. البته در این حالت آمریکا می تواند بغداد را تصرف و حکومتی پوشالی در آنجا روی کار آورد. اما صدام و گارد خصوصی او و اعضای حزب بعث به آسانی تسلیم نخواهند شد بلکه به نقاط دیگر عقب نشینی کرده و جنگ چریکی را ادامه خواهند داد. ضمناً دو حزب رقیب کرد هم هیچ کدام به تبعیت از آن حکومت کردن نخواهند نهاد. همچنین شیعیان با آن به پیکار خواهند پرداخت و در نتیجه عراق گرفتار جنگ داخلی و هرج و مرج خواهد شد. امکان دیگر، حمله آمریکا به نیروهای حزب الله لبنان است. این حمله ممکن است تلفات جانی و تجهیزاتی فراوانی به نیروهای فوق وارد آورد و به سود اسرائیل آنها را ضعیف کند، اما نمی تواند حزب الله را به کلی از بین ببرد چون نیروهای تازه نفسی به آن خواهند پیوست. از سوی دیگر، چنین حمله ای نقض حاکمیت لبنان و تجاوز به آن کشور خواهد بود و مورد اعتراض اکثر کشورهای جهان و حتی هم پیمانان آمریکا قرار خواهد گرفت. امکان دیگر، حمله هوایی به مقر و پایگاه سازمانهای فلسطینی ضد اسرائیل است که آنهم نمی تواند این سازمانها را از بین ببرد و نقض حریم هوایی لبنان و نقض حاکمیت و تجاوز به خاک سوریه تلقی خواهد شد و مورد اعتراض جهانی قرار خواهد گرفت. به هر حال، هیچ کدام از این کنش های احتمالی سودی برای آمریکا نخواهد داشت.

در پایان این گفتار باید بیفزاییم که در شرایط کنونی جهان، سخن از ریشه کن ساختن تروریسم گزافه ای بیش نیست. چون برای ریشه کن ساختن تروریسم باید موجبات و علل پیدایش آن را از بین برد. ریشه اصلی تروریسم در بنیاد جامعه های کنونی نهفته است. جامعه ای که بر حکومت زور، زورویی عدالتی استوار است. تا وقتی که اسرائیل به فلسطینی ها زور می گوید و آنها را از حق سکونت در سرزمین آباء و اجدادیشان محروم کرده است، تا وقتی که این دولت زورگو و غاصب مردان فلسطینی را می کشد و خانه هایشان را خراب می کند، هر جوان فلسطینی ممکن است یک تروریست شود. تا وقتی که دولت آمریکا به خود حق می دهد با صدها بمب افکن بلگراد و شهرهای دیگر صربستان را با خاک یکسان کند، هر جوان صرب که پدر یا مادرش را در این بمبارانها از دست داده است، می تواند با سلاح به رییس جمهور آمریکا شلیک کند و به عنوان تروریست محاکمه و مجازات شود.

تروریسم تاریخی چند هزار ساله دارد. اگر جامعه بشری بر اساس عدل و خرد استوار بود، تروریسم هرگز پدید نمی آمد.





شرح ویتام 51 BM



بانک ملت بانگ شما

# چک مسافرتی بانک ملت

جایگزین مطمئن وجه نقد با سهولت بیشتر حمل در سرتاسر کشور

# مهدی ابزار

نخستین و بزرگترین واحد تولیدی ابزار و قطعات خودرو  
در سطح کشور

دریافت کننده  
گواهی نامه بین المللی کیفیت

**QS - 9000**

# QS

# 9000

## Certificate

به خواست خداوند متعال و زحمت بی دریغ پرسنل متعهد و با ارج نهادن به شایسته و ضابطه سالاری، شرکت تولیدی ابزار مهدی موفق شد استقرار سیستم مدیریت کیفیت که الگوی بزرگترین صنایع خودرو سازی دنیا میباشد را از آن خود سازد. این افتخار ملی را به اطلاع کلیه صنعتگران، کارآفرینان و علاقمندان مدیریت کیفیت فراگیر می رسانیم و امید داریم که ما را در دستیابی به رضایت کامل مشتریان رهنمون سازند.

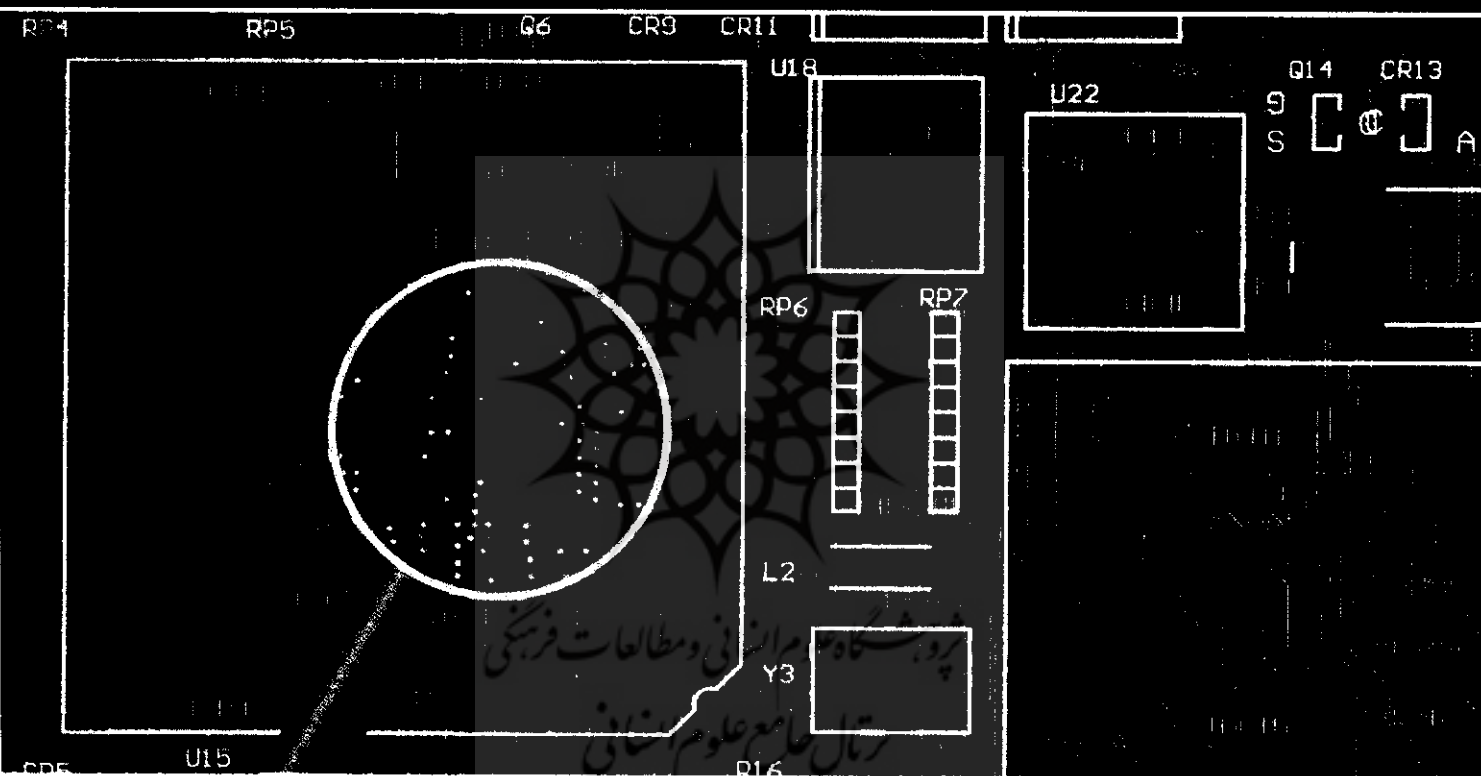
از کلیه دست اندر کاران، مسئولین، کارشناسان کارگران، مشتریان و پیمانکاران زیربط سپاسگزاریم.



Email: info@mehditools.com

FAY.89441110

# تصویرگران الکترونیک اسپید

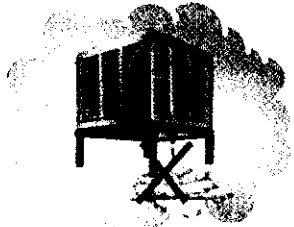


- خدمات تولید فیلم فتوپلات از نقشه های الکترونیک
- طراحی و تولید بردهای الکترونیکی یک لایه و چند لایه
- طراحی و ساخت سیستم ها و پروژه های الکترونیک
- طراحی و ساخت منابع تغذیه سونیچینک



# ۲۰ روش مهار بحران آب

تهران همواره محدودیت آب دارد



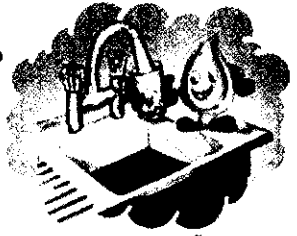
نشت آب کولرهای آبی قسمت عمده‌ای از آب را هدر می‌دهد.



به بچه‌ها آموزش دهید تا با بستن به موقع شیر، آب را هدر ندهند.



در مراکز آموزشی و مدارس به اطفال و دانش‌آموزان تذکر دهید و آنان را به مصرف صحیح آب تشویق کنید.



برای نوشیدن آب خنک چند قطعه یخ در لیوان قرار دهید و سپس شیر آب را باز کنید.



بجای نشستن اتومبیل خود با تیلنگ آب از چند سطل آب هم می‌توان استفاده کرد.



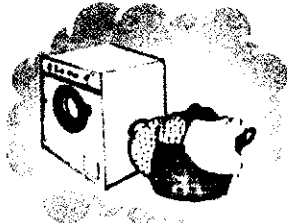
هنگام استحمام، شستن دست و رو و مسواک زدن لزومی ندارد شیر آب به طور پیوسته باز باشد.



هنگام احداث ساختمان از کارگران ساختمانی بخواهید از آب تمسبه شده استفاده نکنند.



سبزیجات را ابتدا در آب بخیسایند، سپس آب بکشید.



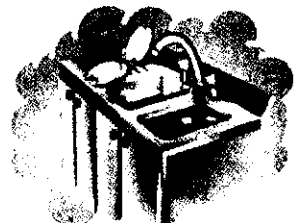
ماشینهای لباسشویی مقدار زیادی آب مصرف می‌کنند. هر هر بار استفاده از ماشین لباسشویی حداکثر لباس کثیف را در دستگاه قرار دهید.



زمانی که به مسافرت می‌روید، شیر فلکه بعد از کنترل آب را ببندید.



تا حد امکان از آب شرب برای شستن سبزی استفاده نشود. باقیه را در شب یا صبح زود آبیاری کنید، تا از تبخیر آب جلوگیری شود.



برای شستن ظروف غذا ابتدا راه خروجی آب ظرفشویی را بسته و سپس ظروف را در آب قرار دهید و پس از شستن، آنها را آب بکشید.



ابتدا شیر را ببندید و بعد به کار دیگر بپردازید.



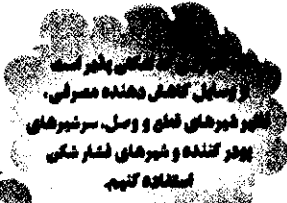
با وجود کمبود آب لزومی به شستنوی بهداشتی مطالب مغازه و منزل نیست.



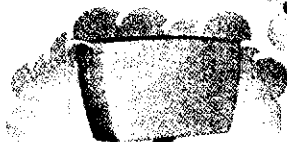
ضروری است برای اطمینان از سلامت لوله‌ها و شیرهای آب مرتباً کنترل شوند.



ابتدا خاک و خاکشاک را جارو کنید و سپس با مصرف آب کمتر آنها را تمیز نمایید.



از وسایل گشایی کننده مصرفی، ظرف‌های فلزی و وسایل سرشیرهای پودر کننده و شیرهای فشار شکن استفاده کنید.



با استفاده از یک آجر و یا بطری...

جدول الگوی مصرف آب آشامیدنی بر اساس ۱۳۰ لیتر برای یک نفر در روز	
استحمام	۲۲ لیتر
دستشویی	۲۶ لیتر
لباسشویی	۱۷/۵ لیتر
پاکت و یخ	۱۳ لیتر

